

# ارتش ایران ساسانی

---

Nicolle, David      سرشناسه: نیکول، دیوید، ۱۹۴۴-م.  
عنوان و نام پدیدآور: ارتش ایران ساسانی آغاز سده سوم تا نیمه سده هفتم  
میلاادی / دیوید نیکول؛ ترجمه محمد آقاجری.  
مشخصات نشر: تهران، ققنوس، ۱۳۹۵.  
مشخصات ظاهری: ۱۱۲ ص: مصور.  
شابک: ۳-۲۴۰-۲۷۸-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
یادداشت: عنوان اصلی: Sassanian armies: the Iranian empire  
.early 3rd to mind-7th centuries AD  
یادداشت: کتابنامه.  
یادداشت: نمایه.  
موضوع: ایران — تاریخ — ساسانیان، ۲۲۶-۶۵۱ م.  
موضوع: ایران — ارتش — تاریخ  
شناسه افزوده: آقاجری، محمد، ۱۳۴۹-، مترجم  
رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ الف ۲ ن ۱۱۷/ DSR  
رده بندی دیویی: ۹۵۵ / ۰۳  
شماره کتاب شناسی ملی: ۴۱۸۹۷۵۶

---

# ارتش ایران ساسانی

آغاز سده سوم تا نیمه سده هفتم میلادی

دیوید نیکول

ترجمه محمد آقاجری



این کتاب ترجمه‌ای است از:

*Sassanian Armies*

Dr. David Nicolle

Montvert Publications, 1996



انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۶۶ ۴۰ ۸۶ ۴۰

ویرایش، آماده‌سازی و امور فنی:

تحریریه انتشارات ققنوس

\*\*\*

دیوید نیکول

ارتش ایران ساسانی

ترجمه محمد آقاجری

چاپ اول

۱۱۰۰ نسخه

۱۳۹۵

چاپ شمشاد

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۷۸-۲۴۰-۳

ISBN: 978-600-278-240-3

[www.qoqnoos.ir](http://www.qoqnoos.ir)

Printed in Iran

۱۵۰۰۰ تومان

## فهرست

مقدمه مترجم.....	۷
خاندان ساسانی و شرح کوتاهی از رویدادهای مهم تاریخی.....	۹
دودمان ساسانی.....	۱۱
ارتش ایران ساسانی.....	۱۳
مقدمه.....	۱۳
ویژگی های شاهنشاهی ساسانی.....	۱۴
پیش زمینه اشکانی.....	۱۵
حکومت ساسانی و ارتش آن.....	۲۰
راهبردها و رزم شیوه ها.....	۲۷
ارتش شاهی.....	۴۲
سربازان و دژهای مرزی.....	۶۸
اصلاحات نظامی در ارتش در پایان دوره ساسانی.....	۷۶
ارتش های تابعه.....	۸۳
کتاب شناسی.....	۱۰۵
نمایه.....	۱۰۸



## مقدمه مترجم

ارتش ایرانِ ساسانی بیش از چهارصد سال پاسداری از خاک ایران را بر عهده داشت، و در سراسر این دوران انبوه دشمنانی را که پیرامون این کشور چنبره زده بودند در پس مرزهای ایران ناکام گذارد؛ توفیقی عظیم که در تاریخ کم‌نظیر و در تاریخ ایران بی‌نظیر است. اهمیت این دستاورد آن‌گاه بیشتر خواهد شد که به یاد آوریم این ارتش میراث‌دار و دنباله‌رو ارتش ایران اشکانی بود که بیرون راندن یونانیان، و قریب پنج سده دفاع دلیرانه از ایران را در کارنامه درخشان خود داشت. اما آنچه این سازمان نظامی را به چنین قابلیت‌هایی رساند، فراتر از جنگ‌افزارها و رزم‌شیوه‌ها بوده است. در این میان، عوامل انگیزه‌بخشی مانند میهن‌دوستی، خودشناسی، دلاوری، و تعهد به باورداشت‌های دینی بی‌گمان نقش بسزایی داشته‌اند. همچنین شیوه‌های جنگی این ارتش، که مبتنی بر تحرک سریع و جنگ از راه دور بود، این امکان را میسر می‌ساخت که ایران با جمعیتی کمتر با امپراتوری بسیار پرجمعیتی مانند روم وارد نبرد شود، و پیروز میدان باشد. اثری که در ادامه ترجمه آن تقدیم خوانندگان می‌شود، بر آن است که برخی جنبه‌های فنی این ارتش را معرفی کند.

دیوید نیکول، نویسنده کتاب ارتش ایران ساسانی، کارشناس تاریخ نظامی است که آثار بسیار گوناگونی را در این زمینه به رشته تحریر درآورده است. نوشته‌های وی موضوعات نظامی بسیار متنوعی از جمله بررسی جنگنده‌های ارتش‌های عرب در نبردهای سده بیستم، تا پژوهش درباره نخستین ارتش‌های اسلامی، لشکرکشی‌های آتیلا، تشکیلات نظامی روم و بیزانس و سلوکی، و جنگجویان صلیبی را شامل می‌شود. طبعاً چنین آثاری بیشتر جنبه‌های فنی ارتش‌ها را در بر می‌گیرد، و بی‌گمان هیچ‌کس نمی‌تواند ابعاد غیرفنی، فرهنگی و ملی چنین طیف گسترده‌ای از ملل را بشناسد، و شاید از همین رو باشد که معدود اظهارنظرهای نویسنده درباره وضعیت اجتماعی ایران با لغزش‌هایی همراه است. از جمله این‌که به گفته ایشان، در ایران روزگار ساسانی جامعه به دو طبقه آریایی فرادست، و غیرآریایی فرودست تقسیم شده بود، حال آن‌که گمان نمی‌رود که در این دوران متأخر چنین تمایز نژادی آشکاری در ایران وجود داشته است، و حتی در روزگار هخامنشی نیز چنین وضعیتی حاکم نبوده است، و بهترین گواه آن نقش پاسداران ایلامی در کاخ‌های تخت‌جمشید است، که نگاهی از شهریاران پارسی را بر عهده داشته‌اند. همچنین نویسنده در وامدار نشان دادن ارتش ایران ساسانی به ارتش‌های بیابانگردان آسیای میانه نیز اندکی اغراق کرده است.

با این حال، کتاب در حجم اندک خود اطلاعات بس ارزنده‌ای فراهم آورده است، و نویسنده از موضوعاتی مانند استفاده از رکاب و تعداد تیرهای کمانداران، تا تأثیرگذاری ارتش و سنن رزمی ایران بر ارتش‌های اسلامی و اروپایی سخن گفته، و بارها به برتری‌های رزمی و فنی ایران بر ارتش‌های روم بیزانس اعتراف کرده است.

در پایان لازم می‌دانم از انتشارات ققنوس به سبب چاپ این اثر، و نیز از ویراستار محترم به سبب دقتشان در برطرف کردن کاستی‌های آن تشکر کنم.

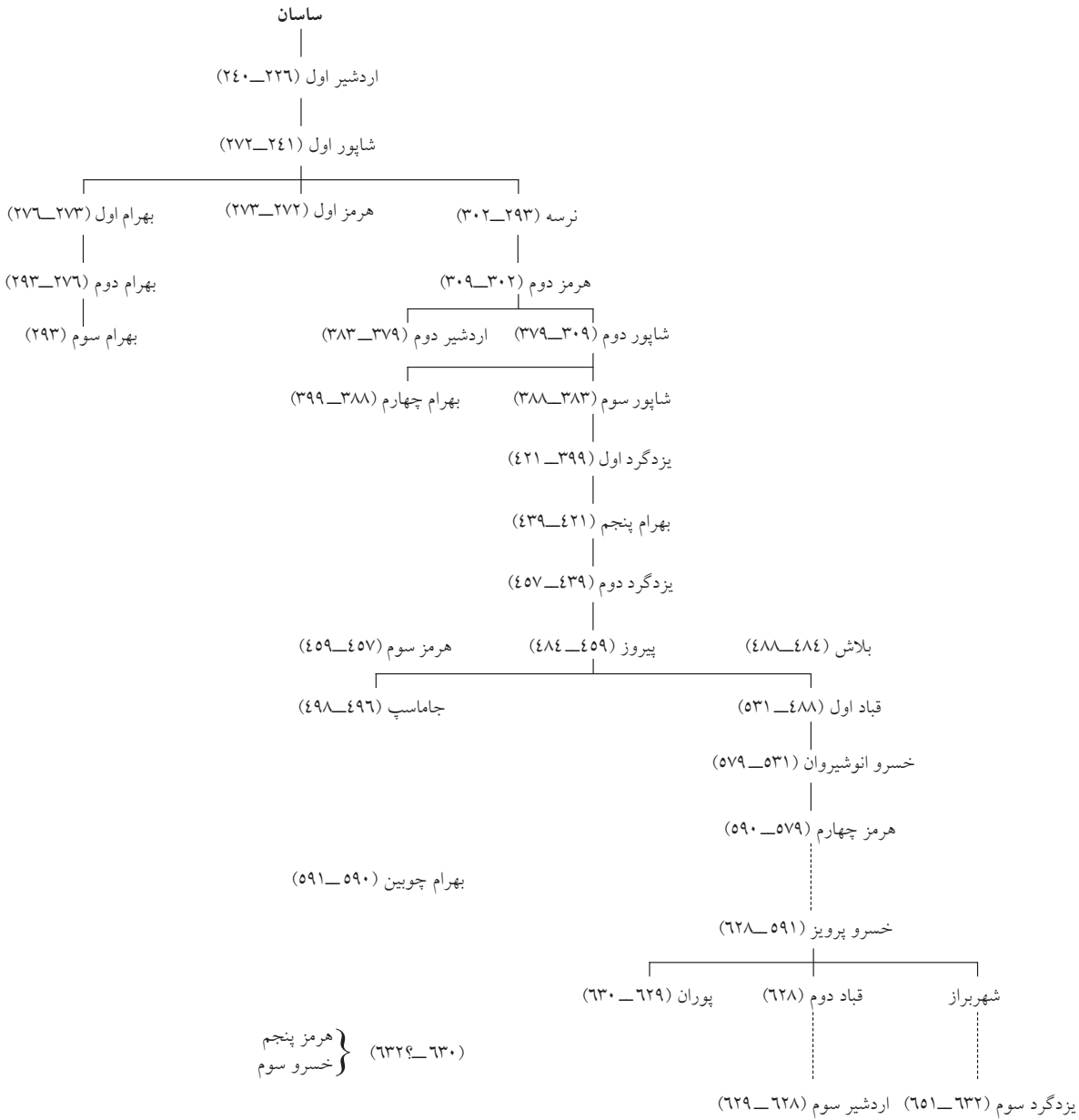


## خاندان ساسانی و شرح کوتاهی از رویدادهای مهم تاریخی

- ۱۹۹ م حمله ارتش روم به تیسفون، پایتخت اشکانیان.
- ۲۱۷ م صلح میان اشکانیان و رومیان.
- ۲۲۰ م شورش اردشیر، نخستین شاهنشاه ساسانی.
- ۲۲۶ م شکست و مرگ آخرین شاهنشاه اشکانی؛ اردشیر اول خود را شاهنشاه ایران می‌نامد.
- ۲۳۲ م اردشیر با رومیان صلح می‌کند و ساسانیان ارمنستان را به ایران ملحق می‌کنند.
- ۲۴۱ م ساسانیان به سوریه می‌تازند.
- ۲۶۰ م ساسانیان والرین امپراتور روم را به اسیری می‌برند.
- ۲۶۳ م تازیان پالمیر شاپور اول را شکست می‌دهند.
- ۲۸۳ م رومیان تیسفون، پایتخت ساسانیان، را می‌گیرند و سپس عقب می‌نشینند.
- ۲۸۶ م تیرداد ارمنستان را تصرف می‌کند.
- ۲۹۷ م رومیان نرسه را شکست می‌دهند و ساسانیان استان‌های باختر دجله را ترک می‌کنند.
- ۳۳۸ م شاپور دوم نصیبین را محاصره می‌کند.
- ۳۴۸ م شاپور دوم به سرزمین‌های رومی میان‌رودان می‌تازد.
- ۳۶۳ م رومیان به ایران حمله می‌کنند و شکست می‌خورند و ساسانیان استان‌های باختری و نصیبین را بازپس می‌گیرند.
- ۳۷۶ م صلح میان رومیان و ساسانیان.
- ۴۱۰ م شورای سلوکیه؛ آلاریک و گوت‌ها شهر رم را تصرف می‌کنند.
- ۴۲۱ م صلح میان ساسانیان و رومیان.
- ۴۲۵ م نخستین حمله هپتالیان (هون‌های سفید) به شاهنشاهی ساسانی.
- ۴۵۵ م اقوام واندال رم را غارت می‌کنند.
- ۴۸۳ م شکست پیروز [ساسانی] از هپتالیان.
- ۴۸۸ م نبردهای ساسانیان با خزرها.
- ۵۱۳ م پایان حمله هپتالیان.
- ۵۲۴ م نبرد میان ساسانیان و بیزانسی‌ها.
- ۵۲۹ م امپراتور بیزانس مکتب آن‌را تعطیل می‌کند؛ دانشمندان یونانی به شاهنشاهی ساسانی می‌گریزند.

- ۵۳۱ م بیزانسی‌ها ساسانیان را در کالینیکوم شکست می‌دهند.
- ۵۳۳ م صلح میان ساسانیان و بیزانسی‌ها.
- ۵۴۰ م ساسانیان به سوریه می‌تازند و انطاکیه را تاراج می‌کنند.
- ۵۶۲ م دومین صلح میان ایران و بیزانسی‌ها.
- ۵۷۰ م (تاریخ تقریبی) ساسانیان بر یمن چیره می‌شوند.
- ۵۹۰ م شورش بهرام چوبین.
- ۶۰۳ م نبرد میان ساسانیان و بیزانسی‌ها.
- ۶۱۴ م ساسانیان سوریه را فتح می‌کنند، بر بیت‌المقدس چیره می‌شوند و «صلیب راستین» را به چنگ می‌آورند.
- ۶۱۷ م ساسانیان بیشتر قلمرو بیزانس در آناتولی را اشغال می‌کنند.
- ۶۲۲ م امپراتور بیزانس ساسانیان را شکست می‌دهد و فتح خاورمیانه را آغاز می‌کند. پیامبر اسلام (ص) نخستین جامعهٔ مسلمان را در مدینه تشکیل می‌دهد.
- ۶۲۷ م بیزانسی‌ها به ایران حمله می‌کنند.
- ۶۲۸ م آغاز جنگ داخلی در ایران.
- ۶۳۲ م رحلت پیامبر اسلام (ص).
- ۶۳۵ م اعراب مسلمان دمشق را از بیزانسی‌ها می‌گیرند.
- ۶۳۶ م اعراب مسلمان بیزانسی‌ها را در نبرد یرموک در سوریه، و ایرانیان را در نبرد قادسیه در عراق [امروزی] شکست می‌دهند.
- ۶۳۷ م اعراب مسلمان تیسفون، پایتخت ساسانیان، را تصرف می‌کنند.
- ۶۴۲ م اعراب مسلمان ارتش ساسانی را در نهاوند شکست می‌دهند و ایران را فتح می‌کنند.
- ۶۵۱ م مرگ آخرین شاهنشاه به رسمیت شناخته‌شدهٔ ساسانی، یزدگرد سوم، و پایان حیات این شاهنشاهی.

# دودمان ساسانی





## ارتش ایران ساسانی

### مقدمه

حکومت ساسانی واپسین شاهنشاهی ایرانی بود و سده‌های متمادی در حکم رقیبی برای تمدن یونانی-رومی به شمار می‌رفت. حکومت ساسانی همچنین آخرین شاهنشاهی [ملی] ایرانی بود، پیش از آن‌که اسلام ویژگی‌های تمدن ایرانی را به‌تمامی متحول کند. ساسانیان از جهات بسیار در تمدن جدید ایران سده‌های میانه تأثیرگذار بودند، اما خودشناسی این شاهنشاهی عمیقاً ریشه در ایران باستان داشت و ساسانیان خود را وارث راستین شاهنشاهی هخامنشی می‌دانستند که اسکندر مقدونی چندصد سال پیش آن را سرنگون ساخته بود.

ایران ساسانی از جهاتی با هندوستان هندوکیش مشترکات بیشتری داشت تا ایران اسلامی. مردم به طبقاتی تقسیم می‌شدند و بزرگان جنگاور ایرانی، که آن‌ها را از تبار «آریایی» می‌پنداشتند، بر دیگرانی که خاستگاه فروتری داشتند فرمان می‌راندند. قلمرو شاهنشاه ساسانی را همان «ایران‌شهر» می‌پنداشتند، که میهن ایرانیان و سرزمین آیین زردشت بود. بسیاری از ایرانیان بیرون از مرزهای شاهنشاهی ساسانی، و انبوهی از غیرایرانیان نیز درون این قلمرو می‌زیستند؛ گرایشی نژادی که ریشه‌های ژرفی داشت و بعدها تا اندازه‌ای حتی در برابر روح مساوات‌طلب اسلامی نیز دوام یافت. ایرانیان ساسانی نیز مانند هموردان رومی خود در چنبره‌نگاهی باستانی به جهان قرار داشتند. رومیان می‌پنداشتند که صاحبان بدیهی تمدن‌اند و ایرانیان نیز بر این باور بودند که شاهنشاهشان برتری خداداده‌ای بر همه شاهان دیگر دارد.

در این میان، جهان واقعی به‌سرعت تغییر می‌کرد و هر دو شاهنشاهی با تهدیدات بالقوه مرگبار بیابانگردان ترک و مغول آسیای میانه رو در رو شدند. شاهنشاهان ساسانی

این تهدید را با وضوحی بیش از امپراتوران رومی شناختند و اغلب در پی اقدام به کوشش‌هایی همیارانه در برابر دشمن مشترک بودند. با این حال، خصومت شدید اشراف جنگاور و به‌ویژه روحانیان زردشتی با رومیان، شاهنشاه ساسانی را از هر گونه اقدام مشترک با روم باز می‌داشت.

با وجود گرایش گسترده به مسیحیت در سده پایانی این شاهنشاهی، آیین زردشت و موبدان آن‌چنان جایگاه استواری داشتند که مسیحی شدن ایران ساسانی را ناممکن می‌ساختند. بنابراین، تهدید تازه‌ای از سوی سربرکشید که انتظار آن نمی‌رفت. این تهدید تازه حمله تازیان مسلمانی بود که تنها ظرف پانزده سال طومار نیرومندترین شاهنشاهی غرب آسیا را در هم پیچیدند.

### ویژگی‌های شاهنشاهی ساسانی

گرچه ساسانیان شاهنشاهی هخامنشی را الگوی خود قرار داده بودند، گستره فرمانروایی آن‌ها با گستره فرمانروایی هخامنشی‌ها تفاوت‌های بسیار داشت. شاهنشاهی ساسانی نیز همانند رومیان تا حد بسیاری بر کار بردگان اتکا داشت،<sup>۱</sup> اما در همان زمان بازرگانان ساسانی تا سرزمین‌های دوردست در رفت و آمد بودند و به تدریج رومیان را از مسیرهای بازرگانی پرسود اقیانوس هند بیرون راندند. همچنین در همین روزگار بود که تولید فلز افزایش یافت، به نحوی که ایران به عنوان «زرادخانه آسیا» آوازه‌ای یافت که تا اندازه‌ای سزاوار آن نمی‌بود. در حقیقت مراکز معدن‌کاوی ساسانیان در کناره‌های این شاهنشاهی، یعنی در ارمنستان، قفقاز، و از همه مهم‌تر در فرارودان (ماوراءالنهر) قرار داشت. غنای شگفت‌آور معادن کوه‌های پامیر در کناره‌های خاوری شاهنشاهی ساسانی به پیدایش افسانه‌ای در میان تاجیک‌های ایرانی‌زبان انجامید که حتی امروزه نیز نقل می‌شود. گفته می‌شد هنگامی که خداوند جهان را می‌آفرید، روی کوه‌های پامیر سکندری خورد و محتویات کوزه وی، که حاوی معادن بود، در سرتاسر این ناحیه پخش گردید.

در دل شاهنشاهی ساسانی تختگاه شاهنشاه، فردی با قدرت و منزلت فراوان، قرار داشت. دودمان اشکانی، که جانشینان اسکندر را از ایران بیرون رانده بود، باور

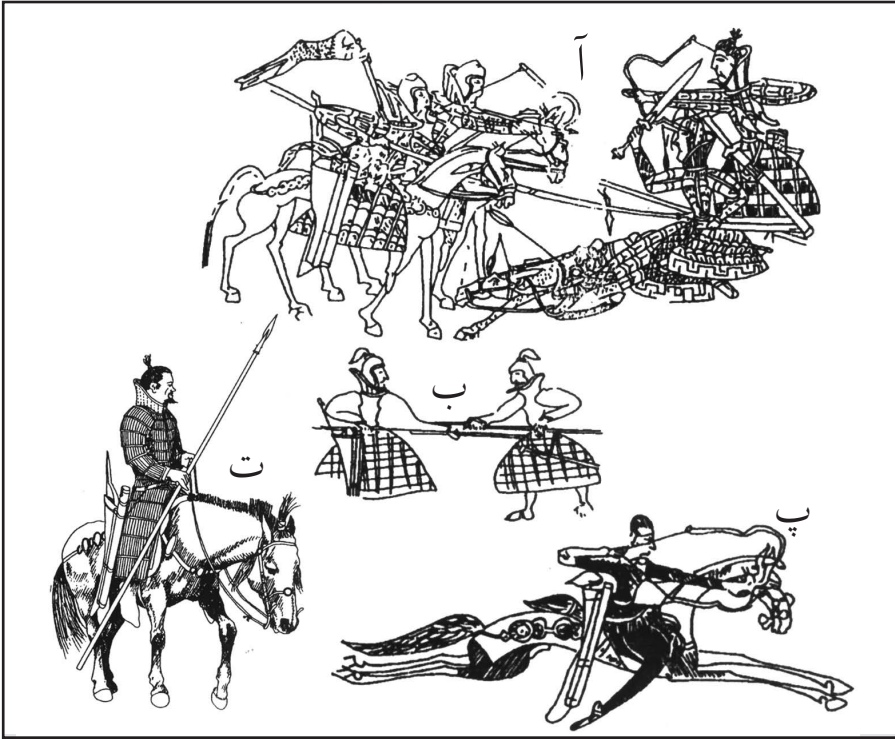
۱. گرچه برده‌داری در ایران ساسانی نیز وجود داشت، اما با روم، که در آن شمار برده‌های برخی ثروتمندان تا بیست هزار تن می‌رسید، تفاوت بسیار داشت، و در حقیقت موقعیت اقلیمی ایران مناسب برده‌داری گسترده نبود. — م.

به الوهیت پادشاه را از یونانیان گرفته بود. این باور زمانی که به آیین‌های کهن ایرانی افزوده شد، فرمانروا را چونان میانجی میان اورمزد، خدای بزرگ، و بندگان او در میانه آسمان و زمین قرار داد. پیرامون شاهنشاه خاندان وی قرار داشتند که وفاداری دودمانی و ستایش نیاکان آنان را متحد نگاه می‌داشت. هیچ کتابی از ساسانیان درباره کشورداری بر جای نمانده است، مگر کتاب تاج، که آن نیز بر اساس پیش‌نمونه‌ای ساسانی نگاشته شده است. این کتاب بر شکوه شاهنشاه منصوب یزدان و سرسپردگی اتباع وی تأکید دارد، و در موارد بسیار اندکی نیز به دادورزی، بخشش و دلسوزی اشاره دارد. این اندیشه‌های انتزاعی بعدها ملازم «شاهنشاهی آرمانی» در میان ایرانیان مسلمان و تازیان گردید.

گرچه فروپاشی شاهنشاهی ساسانی ناگهانی و نامنتظره بود، میراث آنان در ایران همچنان بااهمیت بر جای ماند، هرچند همواره سودمند نبود. در سده هفتم ایرانیان در نبردی حماسی مغلوب بیزانسی‌ها شدند. از دیدگاهی مدیترانه‌ای، این ستیزه نشان‌دهنده «پایان دوران باستان» بود. در مورد ایران، این نبردها راه تازیان مسلمان را برای تدارک نخستین حمله موفقیت‌آمیز از جانب غرب، پس از اسکندر مقدونی، هموار ساخت. نکته متناقض این‌جاست که شکست ساسانیان از مسلمانان احتمالاً به چیزی انجامید که آن را «عصر زرین ایران» می‌نامند. همچنین، برای نخستین بار در طول تاریخ، خاور و باختر ایران به‌راستی متحد شدند. برخی جنبه‌های تمدن ساسانی در سمیرچی، واقع در جنوب دریاچه بالخاش، تا سده دوازدهم میلادی پایدار ماند. در روزگار تمدن درخشان اسلام اولیه، سرزمین‌های خلافت، آن‌گونه که در افسانه‌های «هزار و یک شب» آمده است، سخت وامدار سلف ساسانی خود بود. این امر به‌ویژه در مورد امور نظامی صدق می‌کرد. تصور می‌شود که نخستین کتاب عربی درباره شیوه‌های رزمی و سازمان ارتش ترجمه‌ای از اثری فارسی [پهلوی] بوده باشد که در سده سوم میلادی برای اردشیر بابکان نوشته شده بود و اکنون از میان رفته است.

### پیش‌زمینه اشکانی

پارت‌ها، که سلوکیان جانشین اسکندر را سرنگون ساختند، چادرنشینان سرزمینی بودند که امروزه ترکمنستان نام دارد. آن‌ها گرچه ایرانی‌زبان بودند، ایرانیان باختری [پارس‌ها



تصویر ۱: نقش‌کنده‌کاری شدهٔ چند جنگجو و یک شکارگر از لوح برنزی یک کمر بند. (آ و پ) همراه با انتهای برنزی یک کمر بند (ب) از قرغان‌تپه (در تاجیکستان): سغدی - پارتی از سده‌های دوم و اول ق.م. (۱) بالای تصویر دو سوار زره‌پوش، یکی با نیزه‌ای سنگین و دیگری با کمانی ترکیبی، به دشمنانی حمله می‌کنند که به نظر می‌رسد یکی از آنان در حال برخاستن از روی اسب بر خاک افتادهٔ خود است. پیکانی به گردن این اسب خورده است. بیشتر جنگ‌افزارها و زره‌های این جنگجویان همانند هم است، جز این‌که یکی از آنان کلاهخود خود را از دست داده است. چشمگیرترین ویژگی تجهیزات آن‌ها زره‌هایی با تیغه‌های عمودی و همپوشان، گریبان‌های بسیار بلند، و کلاهخودهایی است که پیرامون و پشت گردن را می‌پوشاند، همراه با نیزه‌هایی بسیار بزرگ و شمشیرهای بلند، راست و دودم، و کمان‌های ترکیبی زاویه‌دار، و این حقیقت که هر دو کماندار ترکش‌ها و کماندان‌های خود را زیر پهلوی راست خود حمل می‌کنند. بجز روش احتمالاً کهن حمل تجهیزات کمان، بیشتر این تجهیزات در سراسر دوران بعدی ساسانی و نیز دورهٔ اسلامی دوام آوردند. (ب) نقشی بسیار ساده‌تر از دو جنگجوی پیاده که با نیزه می‌جنگند. این تصویر برگرفته از انتهای برنزی و تزئینی یک کمر بند است. تنها تفاوت مهم، بجز پره‌های روی این کلاهخودها، این است که به نظر می‌رسد آن‌ها روی بخش بالایی زره‌های خود نیم‌تنه‌هایی به تن کرده‌اند. (پ) نمایش گیرا اما انتزاعی کماندار سواری که جزو گروهی است که گله‌ای از قوچ‌های وحشی، گورخر و غیره را دنبال می‌کنند. همانند دیگر سواران او نیز بدون رکاب می‌تازد و، در عین حال، لگام اسب در هر دو سوی خود میله‌هایی دارد. جالب است که کماندان جنگجویان، خواه سوار یا پیاده، از نوعی اسب که کمانی به زه را نگاه می‌دارد، اما کماندان این شکارچی از نوع باریک‌تری است تا سلاحی زه‌گشوده را حمل کند. این امر شاید نشان‌دهندهٔ این باشد که برای سربازان مهم بود که سلاح خود را در حالتی آماده برای کاربرد فوری حمل کنند، اما برای شکارچیان چنین چیزی الزامی نبود. از سوی دیگر، کماندان در سده‌های بعدی، و حتی از مکانی به مکان دیگر، به روش‌های متفاوتی به کار می‌رفت. کمان‌های ترکیبی هنگامی که به زه نگاهداری می‌شوند، قدرت خود را بهتر حفظ می‌کنند، حال آن‌که بهتر است کمان‌های چوبی ساده زه‌گشوده نگاهداری شوند (محل نامعلوم). (ت) باز آفرینی جنگجویی پارتی بر اساس قلاب‌های تزئینی کمر بند از قرغان‌تپه.



و مادها] هرگز آن‌ها را در مقام جانشینان راستین شاهنشاهی هخامنشی نپذیرفتند. رزم‌شیوه‌های سواران کمان‌کش اشکانی، از جمله روش پرآوازه «کمانداران پارتی»، بیشتر در آسیای میانه معمول بود تا دیگر نواحی ایران که در آن‌ها کمانداری همواره موضوعی مربوط به پیاده‌نظام بود. پارت‌ها پس از در هم شکستن سلوکیان کوشیدند تا پیاده‌نظام سبک و سنگین سلوکی را به خدمت گیرند، اما این سربازان قابل اعتماد نبودند، و از این رو پارت‌ها به سواره‌نظام سنتی ایرانی روی آوردند و در همین حال روش‌های کمانداران سواره خود را نیز بدان افزودند. در رزم‌شیوه اصلی پارت‌ها نبرد معمولاً با حمله سواره‌نظام سنگین اسلحه برای از میان برداشتن سواران سبک‌سلاح دشمن آغاز می‌شد، سپس کمانداران پارتی پیاده‌نظام از هم‌پاشیده دشمن را تیرباران می‌کردند.

در این رزم‌شیوه از پیکان‌های بی‌شماری استفاده می‌شد و در این‌جا بود که پارت‌ها از شترها برای مهمات‌رسانی به کمانداران خود در طول نبرد بهره می‌بردند. تیراندازی با کمان بر پشت اسب همچنین نیازمند ورزیدگی بسیار در سوارکاری بود، و این ورزیدگی نیز معمولاً در میان چادرنشینان یافت می‌شود. کمان‌های ترکیبی<sup>۱</sup> کاملاً توسعه‌یافته سلاحی هراس‌آور بود که تا فاصله صدمتری بسیار نفوذ می‌کرد و تا فاصله ۲۵۰ متری سخت عذاب‌آور بود. پارت‌ها از پیاده‌نظام پرشمار نیز استفاده می‌کردند، به‌ویژه زمانی که در نواحی کوهستانی می‌جنگیدند، اما تنها بخش کوچکی از سپاهیان آن‌ها مستقیماً تحت فرمان شاهنشاه بود. همچنین به نظر می‌رسد که احتمالاً تقسیم‌بندی چهاربخشی کشور، آن‌گونه که ساسانیان اعمال می‌کردند، ریشه در روزگار اشکانیان داشته است.

استفاده از سواران زره‌پوش شاید برای نخستین بار در عصر آهن متقدم در خوارزم، در جنوب دریایچه‌ای به همین نام، آغاز شده باشد، و این سرزمین در روزگار اشکانی در حکم برخوردگاه سنن زره‌داری اروپا، آسیای باختری و چین بود. زره در برابر تیرهای کمان محافظ چندان مفیدی نبود،<sup>۲</sup> و در آن زمان زره‌های پولکدار را برای محافظت مردان و اسب‌ها ترجیح می‌دادند. تا سده سوم میلادی، یعنی زمانی که اشکانیان سرنگون شدند و ساسانیان به قدرت رسیدند، زره‌های آهنین جای زره‌های برنزی، و زره‌های تیغه‌ای جای زره‌های پولکدار را گرفت. زره‌های تیغه‌ای در سرتاسر سده‌های میانه در برابر پیکان‌ها مقاومت بالایی داشت و ساز و برگی پیچیده بود. کشف خودهای آهنین یک‌تکه

۱. کمانی که از شاخ، چوب و چرم درست می‌شد و از کمان‌های چوبین یک‌تکه نیرومندتر بود. — م.

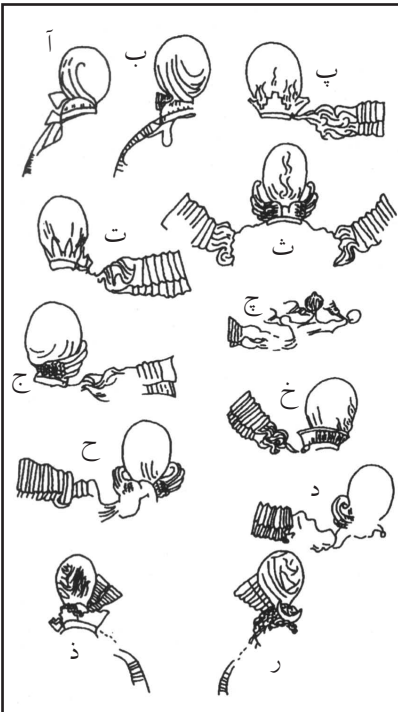
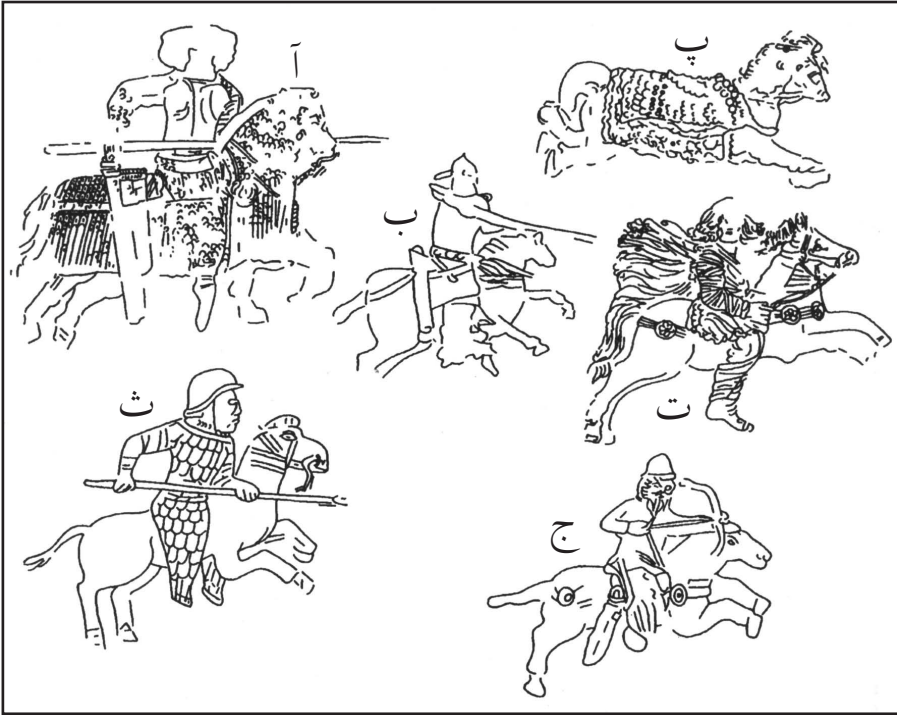
۲. متأسفانه نویسنده مشخص نکرده است که منظور چه نوع زرهی است. — م.

## تصویر ۲: پارت‌ها

(۱) سنگ‌نگاره‌ای که جنگجویی را سوار بر اسبی برگستوان‌دار نشان می‌دهد؛ نقشی پارتی از حدود سال ۲۰۰ میلادی. نقش این سوار چنان آسیب دیده است که تنها اندکی از ویژگی‌های آن را می‌توان بازشناخت. یکی از این ویژگی‌ها مدل موی پرپشت است که ویژگی رایج جنگجویان برگزیده پارتی گردید و شاید در نواحی دیگری در خاورمیانه هم از آن تقلید می‌شد. ویژگی دیگر سبک نیزه‌داری دودستی و بدون سپر است که بسیاری از سواران در سراسر اروپا و خاورمیانه از اواخر دوران هلنی همین شیوه را به کار می‌بردند. شاید آسیای میانه، که خاستگاه بیشتر تحولات مربوط به زین و برگ اسب و نیزه سواره بود، خاستگاه این روش نیزه‌داری هم بوده باشد، که در سراسر سده‌های میانه همچنان در خاورمیانه به کار می‌رفت. نقش‌های روی ساق پای این سوار شاید نشان‌دهنده نوعی زره باشد، اما به احتمال بیشتر پارچه طرحدار شلواری بسیار گشاد یا چین‌های آزاد شلواری است که مدل معمول جامه‌های سواران پارتی بوده است. نقش اسب به صورت بهتری باقی مانده است. برگستوان آن دو سبک متفاوت دارد، یکی برای تنه و دیگری برای گردن، گرچه به نظر می‌رسد که هر دو تیغ‌های بوده باشند. برگستوان‌هایی از همین تاریخ، که در دژ مرزی رومی دورا اوروبوس در سوریه یافت شده‌اند، به همین نحو دو قسمت متمایز دارند. زره بدن اسب شامل صفحاتی آهنی یا پولک‌های برنزی است، حال آن‌که صفحه دیگری از لایه چرم سخت احتمالاً از گردن محافظت می‌کرده است. باید توجه داشت که در این کنده‌کاری ترکش جنگجو و کماندان باریک و بلند کمان زه گشوده وی به احتمال زیاد از پشت سمت راست زین، و نه از کمر جنگجو، آویخته شده است (تنگ سروک، ایران). (ب) سنگ‌نگاره دیگری که به همان اندازه آسیب دیده است، اما ساده‌تر و از همان دوره است، و سواری پارتی را نشان می‌دهد که با یک بازو، و تقریباً به شیوه نیزه‌گیری سده‌های میانه، نیزه خود را به کار می‌برد. این سوار کلاهخودی نوک‌تیز و دو کمر بند دارد که احتمالاً یکی از آن‌ها کماندان یا ترکش وی را نگاه می‌دارد، که در این مورد به نظر نمی‌رسد که از زین آویخته باشند. آشکار است که اسب وی برگستوانی ندارد (تنگ سروک، ایران). (پ) لوحی گچی با نقش اسبی زین‌شده از دوره اشکانی یا آغاز دوره ساسانی، سده سوم، جنوب ایران. نمودن بسیار بزرگ این اسب شاید نمونه ابتدایی برگستوان‌های کزاکندی<sup>۱</sup> باشد. این نقش با برگستوان اسب پارتی تنگ سروک (بالا) و برگستوان اسب‌های منابع نسبتاً متأخر ساسانی شباهت‌هایی دارد (موزه بریتانیا، لندن). (ت) لوح گچی پارتی، تاریخ‌گذاری نشده. چند ویژگی معمول پارت‌ها را می‌توان در این لوح گچی کاملاً سالم یافت. موهای انبوه این نظامی برگزیده پارتی، ردایی بزرگ که در پشت سر وی در اهتزاز است، پیراهنی بسیار گشاد با دامنی نسبتاً کوتاه، چنان‌که در سرزمین‌های رومی نیز دیده می‌شود، اما به‌ندرت در ایران ساسانی یافت می‌شود، و شلواری بسیار گشاد یا پاپوش. این تکه آخر جامه با جزئیاتی بسیار بیشتر در هنر پالمیری متأثر از پارت‌ها در سوریه نشان داده شده است. نشان‌های مدور بزرگی که فتراک‌های پس و پیش اسب را تزئین می‌کنند، در ادامه دوران ساسانی نیز همچنان از ویژگی‌های زین و برگ اسب‌های ایرانی بودند (موزه لور، پاریس). (ث) لوح سفالی قرمز با نقش صحنه شکار، پارتی، تاریخ نامشخص. این قطعه هنری نسبتاً خشن باز هم روش نیزه‌داری دودستی سنتی را نشان می‌دهد، در حالی که اسب آشکارا لگامی اهرمدار و بزرگ، با میله‌هایی در هر سوی دهان دارد. کلاه ویژه مرد احتمالاً پوششی است که روی کلاهخود به سر شده و روش معمول ایرانیان یا مردمان آسیای میانه است. به نظر می‌رسد که گریوپانی<sup>۲</sup> از زیر این کلاه آویخته است. با این حال، گیراترین ویژگی این لوح سفالی شکل زره تیغ‌های و بزرگ سبک آسیای میانه‌ای آن است، که تا زیر ساق‌ها می‌رسیده است، و البته به سبک آسیای میانه فاقد آستین است (موزه بریتانیا، لندن). (ج) لوح سفالی با نقش کمانداری سواره، پارتی، بدون تاریخ. این سوار فاقد زره است، اما کلاهخودی بزرگ بر سر، نیمه‌های کوتاه به تن و شلواری گشاد به پا دارد. کماندان یا ترکش وی شاید از زین یا کمر بند او آویخته باشد. شباهت میان رفتار این سوار و آنچه تزئینات کمر بند آغاز دوره اشکانی از قرغان‌تپه نشان داده شد، چشمگیر است، گرچه سبک هنری آن‌ها به‌ندرت ممکن است تفاوتی داشته باشد (موزه بریتانیا، لندن).

۱. پارچه‌ای که میان رویه و آستر آن را با پنبه یا گاه ابریشم نتابیده (کز) پُر می‌کردند و به صورت نوعی زره به کار می‌رفت. — م.

۲. زره محافظ گردن و پشت سر. — م.



تصویر ۳: تاج‌های نخستین شاهنشاهان ساسانی  
 هر یک از شاهنشاهان ساسانی تاج ویژه و  
 هنرمندانه‌ای مخصوص به خود داشت و با چنین  
 تاجی بود که تصویر شاهان را بر سکه‌ها و صحنه‌های  
 پیروزی نقش می‌کردند. تا آغاز سده پنجم این تاج‌ها  
 تا اندازه بسیاری تغییر کرد، اما از آن زمان به بعد تنها  
 تغییرات اندکی روی داد، تا این‌که چند شاه آخر بار  
 دیگر تاج‌های بسیار خاص بر سر گذاشتند. احتمالاً این  
 تاج‌ها را در مراسم بر سر می‌گذاشته‌اند و شاید در  
 جنگ‌ها نیز به‌مثابه روشی برای نشان دادن شکوه شاه  
 آن را به کار می‌برده‌اند. این نمونه‌ها همگی برگرفته  
 از سنگ‌نگاره‌های ساسانی نقش رجب، نقش رستم،  
 بیشاپور، سراب بهرام، سرمشهد و طاق‌بستان هستند.

آ، ب: اردشیر اول

پ: شاپور اول

ت: بهرام اول

ث، ج، چ، ح: بهرام دوم

خ: نرسه

د: هرمز دوم

ذ: شاپور دوم

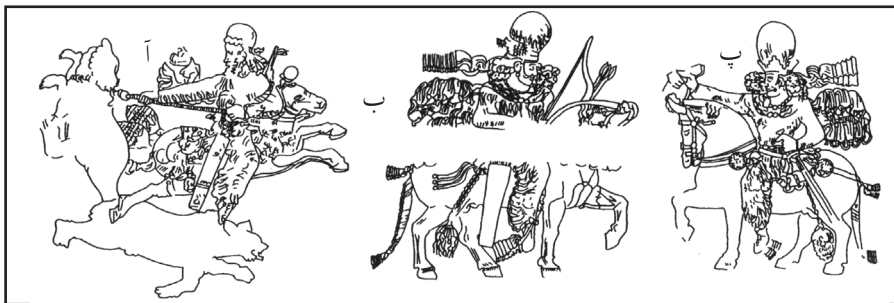
ر: شاپور سوم

از سده هشتم میلادی در فرارودان، و شاید حتی در محوطه‌های باستان‌شناختی سده اول میلادی شمال غرب هند نشان می‌دهد که این نواحی در زمینه فلزکاری پیشرفته‌تر از اروپای آن روزگار بوده‌اند، و این برتری فنی احتمالاً نتیجه تماس با چین بوده است. همین امر همچنین سواران ایران، فرارودان و سرزمینی را که امروزه افغانستان است قادر می‌ساخت شمشیرهایی طولی‌تر از نمونه‌های غربی را به کار گیرند، و تیغه‌هایی به طول ۳۵/۵ سانتیمتر و پهنای ۵/۲۵ سانتیمتر احتمالاً نمونه‌های رایج بوده‌اند.

افسار اسب در سرزمینی که پیش‌تر بدان اشاره شد، احتمالاً از این نیز پیشرفته‌تر بوده است. به نظر می‌رسد سمرت‌های چادرنشین و ایرانی‌نژاد دشت‌های غربی (اوکراین و جنوب روسیه) از همان سده نخست میلادی زین‌های چوبی یا قابدار ابتدایی داشته‌اند. این زین‌ها جایگزین نمد زین‌هایی شدند که پیش‌تر همه‌جا استفاده می‌شدند. با این حال، سمرت‌ها با نیزه می‌جنگیدند نه با کمان، و زین‌های قابدار جدید احتمالاً بیشتر برای نیزه‌داران مهم بود تا سواران کماندار. در این میان، نفوذ نظامی اشکانیان آشکارا بسیار فراتر از محدوده مرزهای آنان بود. رومی‌ها در خاورمیانه پارتی‌های گریزان را به خدمت گرفته بودند تا به شیوه ایرانیان بجنگند و در این میان نخبگان نظامی محلی در شهرهایی مانند هاترا [الحضر] و پالمیر هم می‌کوشیدند تا به هر روش ممکن از شیوه‌های نظامی پارت‌ها الگوبرداری کنند. این میراث نظامی در آغاز سده سوم میلادی به‌تمامی به ساسانیان رسید.

### حکومت ساسانی و ارتش آن

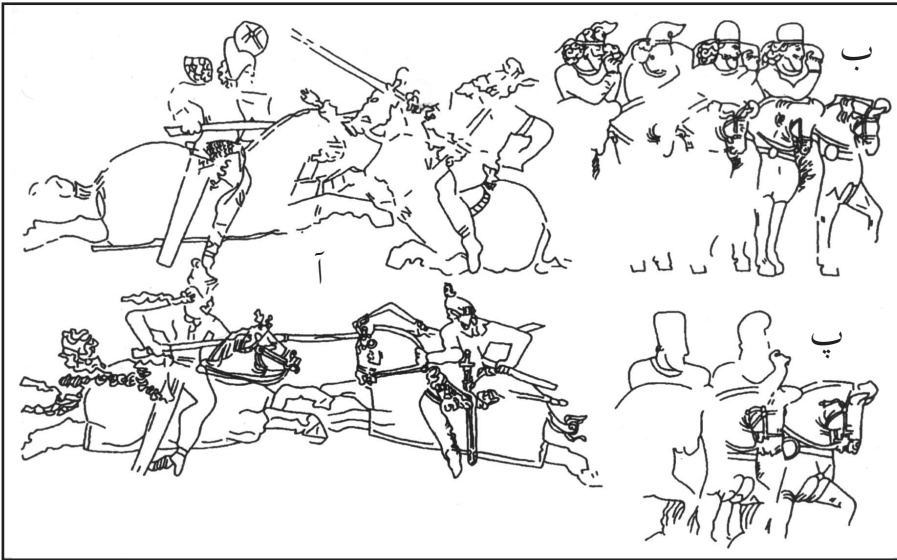
ساختار جامعه ساسانی بسیار پیچیده بود و اقوام چادرنشین بسیاری در آن زندگی می‌کردند، که نظام قبیله‌ای و جداگانه خود را داشتند. برخی از خاندان‌های متنفذ پارتی همچنان اهمیت داشتند. با این حال، شاهنشاهی در دست گروه کوچکی از خاندان‌های اشرافی پارسی بود. حاکمان استانی یا مرزبانان از میان این خاندان‌ها برگزیده می‌شدند و آنان که والاترین جایگاه را داشتند می‌توانستند تاجی سیمین بر سر گذارند، اما مرزبان مرز بسیار مهم قفقاز اجازه داشت تاجی زرین بر سر بگذارد. جامعه ساسانی به گونه‌ای گسست‌ناپذیر به دو گروه «آزاتان» «آزادمردان»، که با تعصب از جایگاه خود در مقام فرزندان فاتحان کهن آریایی دفاع می‌کردند، و توده روستاییان اساساً غیرآریایی تقسیم می‌شد. آزاتان انبوه اشراف کهنتر و کاربه‌دست دولتی را تشکیل می‌دادند و بیشتر بر پایه



تصویر ۸: در هنر ساسانی تصاویر شاهان غلبه دارد، و جامعه ساسانی در زمره سلطنت‌گراترین جوامعی بوده که جهان تاکنون به خود دیده است. شاه به صورت پهلوانی پیروزمند تصویر می‌شد که دشمنان و جانوران وحشی را به یکسان به زیر می‌افکند. او همچنین نشان‌دهنده فردی نیمه‌خدا بود که واسطه اتباع خود و خداوند می‌گردید. این مفهوم ایرانی از جامعه پیش از حمله مسلمانان در سده هفتم فروپاشیده بود، اما به تدریج دگربار سر برکشید تا سبب تباهی روحیه مساوات‌طلب اسلام عربی گردد.<sup>۱</sup>

(ا) لوح نفره‌ای زران‌دود ساسانی از سده سوم میلادی، که بهرام اول را در حال شکار گراز نشان می‌دهد. در این جا بهرام کلاه‌هی ساده بر سر دارد، گرچه این کلاه نیز ویژگی‌های اصلی تاج وی را داراست. سایر زیورهای شاهی یا شدیداً اشرافی عبارت‌اند از منگوله‌های میان دو گوش اسب و اویزهای بزرگ آویخته از انتهای فتراک. خود شاه پیراهنی گشاد بر تن، و شلوارهای ویژه سوارکاران ساسانی به پا دارد. او کمانی را از شانه چپ، و ترکش لوله‌مانند و بلندی را از کمر بند و زیر پهلوی راست خود آویخته است. اما مهم‌ترین ویژگی این لوح این حقیقت است که بهرام برای گرفتن گراز از کمند استفاده می‌کند. این کمندها از ابزارهای شکار در آسیای میانه بود که در نبردها نیز از آن‌ها استفاده می‌شد، چنان‌که چند سده بعد در خاورمیانه ترک و اسلامی نیز به کار می‌رفت (موزه دولتی ایخان، سوخومی، گرجستان). (ب) سنگ‌نگاره‌ای با نقش بهرام دوم از پایان سده سوم میلادی. در این نمایش ویژه از شاه پیروزمند ساسانی، شاه تاجی بالدار با گوی بادکرده بزرگی بر فراز آن بر سر دارد که دسته نوار بلندی از انتهای آن در اهتزاز است. شاه، افزون بر داشتن گوشواره و گردن‌بند جواهرنشان، ریش کامل خود را منگوله‌ای بسته است. جامه‌های وی عبارت است از پیراهن گشاد معمول و شلوار کیسه‌ای با ردایی بلند که با گیره‌ای روی سینه وی بسته شده است. نوارهای بسیار بلند روی کفش وی نشانه دیگری از جامه‌های اشرافی ساسانی است. منگوله‌ها و نوارهای متعددی از زین و برگ اسب آویزان است و یال این جانور را به صورت تزیینی بافته‌اند. ترکش بزرگی زیر پهلوی راست شاه آویخته است، اما او کمانی با سه پیکان هم در دست چپ دارد. جالب است یادآور شویم که این روش کمانداری اساساً ایرانی، و نه ترکی، تا سده دوازدهم پایید، و در این زمان کتاب راهنمای نظامی، که برای خود صلاح‌الدین ایوبی نوشته شده بود، توصیه می‌کرد که سه پیکان را در همان دستی بگیرند که کمان را با آن گرفته‌اند (بیشاپور، ایران). (پ) سنگ‌نگاره‌ای از پیروزی شاپور اول ساسانی، نیمه سده سوم میلادی. این سنگ‌نگاره، که چندان آسیب ندیده است، شاهنشاه را همراه با فرماندهان اسیر رومی نشان می‌دهد و شاپور آستین یکی از آنان را گرفته است. تاج شاهنشاه فرق دارد، اما جامعه شاهان ساسانی اساساً همانند آنچه بهرام دوم ساسانی در بیشاپور به تن دارد است و حتی ریش بافته وی نیز چنین است. بخش آسیب‌نندیده و مرکزی این سنگ‌نگاره برخی از ویژگی‌های مهم جنگ‌افزارهای سواره‌نظام ساسانی را نشان می‌دهد، چیزهایی مانند یکی از شاخ‌های جلو زین که به عقب و روی ران سوارکار بازمی‌گردد. همچنین بندی پاپوش بافته و گشاد را نگاه می‌دارد، کمر بند یک قلاب جفتی دارد، و کمر بند جداگانه‌ای برای شمشیر بسته شده که از یک نیام‌گیر رد شده است، و سوارکار مجهز به شمشیری بسیار بلند و راست است. افسار اسب گونه‌ای ابتدایی از لگام‌های حلقه‌دار با میله‌های پهن دارد (نقش رستم، ایران).

۱. برخلاف گفته نویسنده محترم، ایرانیان بودند که اسلام را از جنبه تعصب‌ت‌کور بیابانگردان اموی به در کشیدند و فرصتی را فراهم آوردند تا این دین با همه آموزه‌های بی‌مانندش جهان‌شمول گردد. روح مساوات اسلامی بر اثر عوامل دیگری مخدوش گردید. — م.



تصویر ۵: سواران برگزیده در جنگ

(آ) سواران سنگین اسلحه ساسانی که دشمنانشان را سرنگون می‌کنند، متعلق به پایان سده سوم یا آغاز سده چهارم میلادی. این چهار پیکره شاید نشان‌دهنده بهرام دوم (بالا سمت چپ) و فرزند وی (پایین سمت چپ) باشد که دشمنان بیگانه و داخلی را شکست می‌دهند. به نظر می‌رسد که هر دو سوار پیروز نیزه‌های خود را با دو دست به کار می‌برند، در حالی که دست کم یکی از دشمنان آن‌ها چنین کاری نمی‌کند. هر سه اسب برگستوان‌های نم‌پوش یا شاید هم زره‌های زینتی دارند. این زره‌ها نیز در سراسر سده‌های میانه در ایران و برخی سرزمین‌های همسایه استفاده می‌شدند. به طول شمشیری که فرد شکست‌خورده سمت راست در دست دارد توجه شود. هیچ‌یک از این سواران سپر ندارند، چیزی که کاربرد آن حین نیزه‌داری دودستی ناممکن بود (نقش رستم، ایران). (ب، پ) «شهبور» ساسانی، سنگ‌نگاره پیروزی شاپور اول ساسانی بر امپراتور روم، اواخر سده سوم میلادی. این‌ها تنها برخی از سوارانی هستند که به شاهنشاه پیروز خود درود می‌فرستند. این سواران در حقیقت همانند یکدیگرند و جامه‌های همیشگی سواران برگزیده پارسی را به تن دارند اما کلاه‌هایشان متفاوت است. همه این کلاه‌ها در حقیقت از نوع قلنسوه است که در سراسر سده‌های میانه از آن استفاده می‌شد. برخی از آن‌ها حتی به شکل جانورند و نشان می‌دهند که چنین کلاه‌هایی، جدای از استفاده روی کلاهخود یا به صورت جداگانه، به‌مثابه نشانه‌هایی برای بازشناسی استفاده می‌شده‌اند (بیشاپور، ایران).

املاک کوچک خود گذران زندگی می‌کردند و هسته اصلی اسواران ساسانی را شکل می‌دادند. مهم‌ترین گروه در میان اینان اسواران زره‌پوش بودند که معمولاً سرنوشت جنگ‌ها را رقم می‌زدند.

به نظر می‌رسد تقسیم اسواران به سواران زبده سنگین اسلحه و انبوه سواران بدون زره در آغاز و در روزگار اشکانی و در میان‌رودان و باختر ایران پدید آمده بوده است. این کار به سبب دلایل اقلیمی و نیز فرهنگی و اجتماعی روی داد. در طول نخستین سده‌های

حکومت ساسانی جایگاه سواران مستقل به تدریج و با استخدام اسوارانی که اشراف بلندمرتبه نزد خود نگاه می‌داشتند تنزل یافت. تنها در سده ششم میلادی بود که اسواران صاحب ملک موروثی دگربار حیات یافتند. در آن زمان جایگاه دهقانان (دهگانان) یا اشراف کهنتر تنها اندکی بالاتر از مدافعان محلی بود. با این حال، این نظر کهن که جنگیدن از وظایف نخبگان «آریایی» است همچنان نظریه‌ای آرمانی بود، گرچه در واقعیت [در زمان جنگ] طبقه روستایی فرودست و «غیرآریایی» نیز همانند همگان در رنج بود.

در مرکز نظام طبقاتی ساسانی شاهنشاه قرار داشت که بر شاهان کهنتر، شاهزادگان و اشراف نیرومند فرمان می‌راند. اما شاهان نسبتاً مستقل روزگار اشکانی در این دوره کم‌شمارتر شده بودند و به تدریج شاهزادگان ساسانی، که در مقام حاکمان استانی عمل می‌کردند، جای آن‌ها را گرفتند. دربار شاهنشاه در تیسفون (تلفظ دقیق‌تر آن در پهلوی تیسپون) قرار داشت، که در جنوب بغداد کنونی در عراق واقع بود. این جا «مرکز ایران‌شهر» شناخته می‌شد و شامل هفت شهر بود که کلانشهری مهم را تشکیل می‌دادند.

امور نظامی در دست گروه کوچکی از رایزنان شاهی بود. وزرگ فرمانده بزرگ در حکم نخست‌وزیر بود. همچنین فرماندهای کهنتر بسیاری در دربار بودند، که احتمالاً همگی شان وظایفی نظامی بر عهده داشتند. در نخستین سال‌های حکومت ساسانی مهم‌ترین سرزمین‌های مرزبان عبارت بودند از ارمنستان، بیت‌آرامائی در میان‌رودان، فارس، کرمان، اصفهان، آذربایجان، طبرستان، نیشابور، طوس و سجستان (سیستان) در ایران، بحرین در خلیج فارس، هرات، مرو و سرخس در خاور ایران. برخی از این نواحی بسیار کوچک، برخی تا حد زیادی خودمختار، و برخی نواحی نیز از نظر نظامی مهم‌تر از دیگران بودند. مثلاً، آذربایجان استان مرزی خاصی بود که حکومت نظامی ویژه‌ای داشت، حال آن‌که ناحیه مرزی خاور قفقاز با جمعیتی مرکب از ارمنی‌ها، کردها و فارس‌ها نیز به همین نحو زیر نظر فرمانداری نظامی بود. جنوب دریای مازندران و دشت کویر و نواحی پیرامون شهر ری گذرگاهی حیاتی بود که نواحی مهم باختری ایران را به خراسان در خاور پیوند می‌داد. مرزهای متغیر خراسان، «خاستگاه خورشید»، بازتابی بود از قدرت در حال تغییر شاهنشاهی و هم‌آوردان خاوری آن. در این جا اصطلاح کنارنگ به جای مرزبان به کار می‌رفت که نشان می‌داد خاور و باختر ایران تا چه حد با هم تفاوت دارند. در برخی مکان‌ها اصطلاحی دیگر یعنی پادگوسپان به کار می‌رفت، که به نظر می‌رسد عنوانی برای فرماندار ویژه نظامی، و



## تصویر ۶: پیاده‌نظام ساسانی و سواران پیاده

(آ) حاضران در مراسم تاج‌گذاری، پایان سده سوم یا آغاز سده چهارم میلادی. مهتری که اسب شاه جدید را می‌برد، چیزی پوشیده که کلاه یا باشلقی چسبان می‌نماید. شاخ‌های پس و پیش زین اسب آشکارا دیده می‌شوند و فتراک‌های سینه و کفل اسب تزئیناتی دارند و گوی تزئینی بزرگی از انتهای زین آویخته است، و حیوان تنگی پهن، دمی بافته و افساری با تزئینات دارد. افراد ایستاده پشت اسب، با بررسی نوع کلاه‌های نسبتاً ساده و کوتاه و شمشیرهای بلند و مستقیم آن‌ها، شاید سواران پیاده‌شده یا اشراف کهنتر باشند (بیشاپور، ایران). (ب) نگهبانان حاضر در مجلس پیروزی شاپور. سه نفر سمت چپ شاید نگهبانان ساده‌ای با موهای بسیار بلند و بدون کلاه باشند. آن‌ها مسلح به نیزه‌هایی کوتاه و شمشیرهای بلند و معمول ساسانی هستند. با این حال، نیام شمشیرها چنان به بالا کشیده شده‌اند که دسته شمشیر به سینه این افراد رسیده است. این امر شاید نشانه این باشد که آن‌ها برای این که به صورت پیاده خدمت کنند، یا دست‌کم رژه برونند، مسلح شده‌اند (بیشاپور، ایران). (پ) باج‌آوران در مجلس پیروزی شاپور اول. زیر ردیف اشراف و جنگجویان انبوهی از باج‌آوران هستند و این افراد تنها چند تن از آن جمع پرشمارند. جامه‌ها و مدل موی برخی از آنان با جامه و آرایش موی بزرگان نظامی پارسی متفاوت است و به نظر می‌رسد اشیایی که حمل می‌کنند، نماد ثروت استان‌های دوردست و مرزی شاهنشاهی و همسایگانی باشد که شاید برتری ساسانیان را پذیرفته بوده‌اند. مثلاً، آخرین مرد در سمت راست نقش (ت) شمشیری حمل می‌کند و از قرار معلوم دستاری بر سر دارد. در آن زمان داشتن دستار نشانه این بود که فرد هندی است یا از جایی آمده است که امروزه افغانستان نام دارد. در زمان ساسانیان و اوایل دوران اسلامی، هند به سبب کیفیت و تیغه شمشیرهای کاملاً فولادی خود پرآوازه بود (بیشاپور، ایران). (ث) سنگ‌نگاره‌ای که زنی یا ایزدبانویی را در حال تقدیم هدیه یا نماد پیروزی به شاهی ساسانی نشان می‌دهد، پایان سده سوم یا آغاز سده چهارم میلادی. جامه‌های این زن، جدای از لباس بسیار بلند وی، همانند جامه‌های زنان بزرگان است. پیراهن وی نیز به همین گونه است، با این تفاوت که به جای دو گیره یا یک گیره بسته شده است (تنگ سروک، ایران).



احتمالاً فاقد وظایفی کشوری، بوده است. همچنین در گذر زمان وظایف مرزبان نیز تغییر می‌کرد. واحدهای سرزمینی کوچک‌تر در اساس بخشی از حکومت غیرنظامی بودند. در آغاز کوچک‌ترین این واحدها شهر نام داشت، با شهرستانی در مرکز آن، و مسئولی به نام شَهریگ که از میان دهقانان محلی به سمت مسئول ناحیه برگزیده می‌شد. در سال‌های بعد



تصویر ۷: رونگاشتی از دیوارنگاره‌ای که در کنیسهٔ دورا اوروپوس، در سوریه، یافت شده و در اصل مربوط به آغاز سدهٔ سوم میلادی است. این نمونه‌برداری از نقاشی مشهوری از «نبرد اَبِنُ عَزْر»<sup>۱</sup> است که بر اساس یادداشت‌ها و طرح‌هایی تهیه شده که مربوط به زمانی است که باستان‌شناسان تازه نقاشی اصلی را یافته و هنوز رنگ و جزئیات کوچک‌تر آن به تدریج محو نشده بودند. افراد نشان داده شده در این جا همگی پیاده‌نظام‌اند و چند سواری که در نقاشی دیده می‌شوند کاملاً غیرمسلح‌اند. آن‌ها از هر دو سو درگیر نبرد اَبِنُ عَزْرند — یهودیان و فلسطینی‌ها — و هرمنند هیچ تمایزی میان این دو قائل نشده است. زمانی که این دیوارنگاره ترسیم می‌شد، دورا اوروپوس یکی از شهرهای مرزی روم، و بسیار نزدیک به مرزهای ساسانیان بود. این‌جا در قلب آوردگاه‌ها قرار داشت و رومیان، ساسانیان و قبایل بومی عرب در آن رفت و آمد می‌کردند. پس نباید شگفت‌زده شویم اگر سربازان نبرد اَبِنُ عَزْر همسانی اندکی با رومیان داشته باشند. اینان زره‌های بلند به تن دارند و آستین‌های برخی از آنان بلند است، برخی پیراهن به تن دارند و سه تن نیز سرپوش‌های زرهی بر سر دارند. این گونه اتکا به زره نشانهٔ نفوذ شدید ساسانیان است. از سوی دیگر، شمشیرهای آن‌ها نسبتاً کوتاه، و همانند گلا دیوس رومیان یا شمشیرهای اولیهٔ عربی (سیف) است. سپرهای ایشان از نی است و آن‌ها را با نوارهای چرمی به هم بافته‌اند، روشی که جنگجویان در سرزمین عراق دست‌کم تا ششصد سال بعد آن را ادامه می‌دادند. در کل شاید این سربازان نشان‌دهندهٔ پیاده‌نظام ساسانی از نواحی بسیار عرب‌نشین باختری شاهنشاهی باشند، و نه سربازان مرزی رومی (بخش تاریخ دانشگاه ییل، نیوهاون، آمریکا).

۱. نبردی میان یهودیان و فلسطینی‌ها در پایان هزارهٔ دوم ق.م (بین سال‌های ۱۰۵۰ تا ۱۰۰۰ ق.م). — م.

شهرها به واحدهایی به نام کوره تقسیم شدند، و کوره‌ها نیز واحدهایی به نام روستاگ یا نَسوگ داشتند. روستا معمولاً ناحیه روستایی دارای کشاورزی آبی، یا یک واحه بود و اغلب در مرکز آن دژ زمینداری بزرگ قرار داشت. این ساختار سنجیده، همراه با پروانک یا سامانه پیک حکومتی و ایستگاه‌های میان‌راهی ساسانی، به میراث به تمدن اسلامی سده‌های میانه رسید.

شاهنشاهی ساسانی با وجودی که نظام طبقاتی نژادی داشت، اما فرهنگ اتباع آرامی و سامی نژاد خود را، در سرزمینی که عراق امروزی است، بیش از رومی‌ها و بیزانسی‌ها و اتباع سامی ایشان در سوریه، به رسمیت می‌شناخت. جمعیت بسیار بزرگی از یهودیان، با رهبری به نام رأس‌الجالوت که در عراق می‌زیست، زیر سایه حکومت ساسانی رو به رشد نهاد. وضعیت نیرومندترین گروه قومی سامی، یعنی تازیان، متفاوت بود. آن‌ها گاه متحد، گاه خراج‌گزار و گاه نیز دشمن ساسانیان بودند. با این حال، عرب‌ها، در هر جایگاهی که بودند، هرگز به سادگی ارمنی‌ها یا یهودیان سر به انقیاد نگذارند.

بیشتر مناصب مهم نظامی در اختیار خاندان حاکم ساسانی بود. ایران سپهبد فرمانده کل ارتش بود، که در مقام وزیر جنگ و رئیس گروه مذاکره‌کنندگان صلح نیز عمل می‌کرد. در سال‌های آغازین حکومت ساسانی فرمانده واقعی جنگ ارتشتاران‌سالار نام داشت. سپهبدان کهنتر ارتش‌های منطقه‌ای را فرماندهی می‌کردند در حالی که مرزبانان ناحیه‌ای و کنارنگ‌ها را می‌توان سرداران میدان نبرد دانست. درباره رده‌بندی افسران کهنتر عملاً چیزی نمی‌دانیم، گرچه گروهی به نام ارزبید اسپوزگان «مربی سواران» هم وجود داشت که در سراسر قلمرو شاهنشاهی می‌گشت و آموزش و انضباط سربازان را زیر نظر داشت. یکی دیگر از فرماندهان بسیار مهم و معمولاً کارآزموده ایران انبارگبد بود که مسئولیت مهمات انباشته در انبارگ [انبار مهمات] و گنج [قورخانه] را بر عهده داشت. سپس ستورپزشک یا دامپزشک ارشد بود که از اسب‌های اسواران مراقبت می‌کرد.

سربازان در رژه‌های منظم در برابر فرماندهان خود تعظیم می‌کردند و احتمالاً از آن‌ها بازدید هم می‌شد. در سال‌های آغازین، خواننده‌های بزرگ بدون هیچ دستمزدی خدمت می‌کردند و از آن‌ها انتظار می‌رفت که افرادشان را با تجهیزات کامل به خدمت بفرستند. یکی از کتاب‌های حقوقی ساسانی به نام کتاب هزار داوری<sup>۱</sup> می‌گوید که از هر قطعه

۱. منظور کتاب مائکان هزار دایستان است. — م.

زمین چه تعداد سوار باید فراهم شود و نیز این‌که بزرگان محلی چه تعداد از آزادمردان وابسته به خود را باید تجهیز کنند. پس از مرگ هر یک از سواران زمین وی به حکومت باز می‌گشت، مگر این‌که وارث وی هم می‌خواست به سربازی سوار تبدیل شود که در این صورت نام او را در نیپک یا «فهرست سواران» می‌نگاشتند.

بزرگان بلندپایه یگان‌های نگهبان دائمی برای خود داشتند که گاه شامل بردگان جنگجو هم می‌شد، و این نگهبانان ممکن بود به صورت پیاده بجنگند، حال آن‌که جنگجویان آزاد سواره بودند. در سدهٔ چهارم میلادی شاپور دوم، شاهنشاه ساسانی، به سبب فشارهای نظامی رومیان، به تقلید از دشمنان خود نیرویی مرکب از هزار سوار حرفه‌ای پدید آورد. این یگان ورزیده و نیرومند اجازه نداشت اسیری بگیرد یا برای به دست آوردن غنیمت درنگ کند. در انتهای سلسله‌مراتب نظامی گروه‌هایی از کمانداران پیاده بودند که فرماندهانی به نام تیربند داشتند و در روستاها زندگی می‌کردند. سربازان پیادهٔ دیگری به نام پایگان<sup>۱</sup> هم بودند که فرماندهی به نام پایگان‌سالار داشتند. گاه به آن‌ها دستمزدی داده می‌شد اما همواره چنین نبود. این پیادگان همانند نیروهای امنیتی برون‌شهری بودند که روستاییان محلی آن‌ها را استخدام می‌کردند، جایگاهی بسیار فرومتر به داشتند و قابلیت نظامی آن‌ها مورد اطمینان نبود.

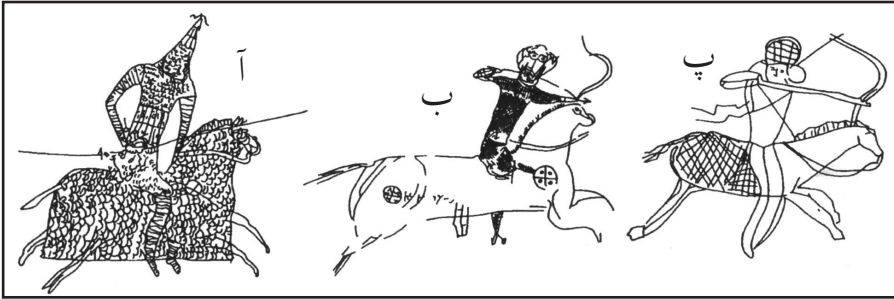
### راهبردها و رزم‌شیوه‌ها

رزم‌شیوه‌های ساسانیان از بسیاری جهات همانند اشکانیان بود. تفاوت اساسی در این بود که در ارتش اشکانی سواران کماندار نیروی عمده بودند، اما در ارتش ساسانی سواره‌نظام پیش‌رزم<sup>۲</sup> که به نیزه مجهز بود، از نظر رزم‌شیوه اهمیت بیشتری داشت. این ارتش از کمانداران پیاده هم استفادهٔ بیشتری می‌برد، و کارکرد برجسته‌تری برای نیروهای کمکی قائل می‌شد. در حقیقت افزودن سواران عرب سبک‌اسلحه به سواره‌نظام نخبه و سنگین‌اسلحه نیروی بسیار مؤثری پدید می‌آورد.

حکومت هوشمندانهٔ ساسانی همچنین از سفرا و جاسوسان، به‌ویژه در روابط خود با رومیان، استفادهٔ شایانی می‌کرد. به گفتهٔ کتاب تاج، اعضای مورد نظر برای سفارت

۱. در پهلوی payg، پیاده‌نظام. — م.

۲. در پهلوی pēs razm، جنگجویی که برخلاف کمانداران از فاصلهٔ نزدیک می‌جنگد. — م.

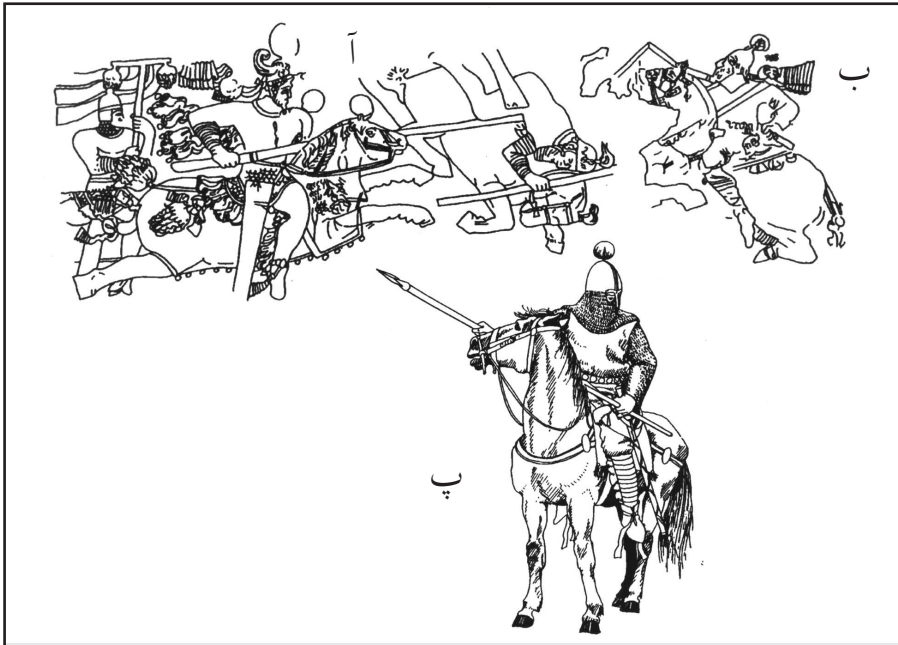


تصویر ۸: دیوارنگاره‌هایی از ساختمان‌ها و دیوارهای شهر دورا اوروپوس در شمال سوریه، سدهٔ سوم میلادی

(آ) پرآوازه‌ترین دیوارنگارهٔ دورا اوروپوس این انگارهٔ سرباز سنگین اسلحهٔ دورهٔ ساسانی یا پایان دورهٔ اشکانی است. این جنگجو مجهز به تجهیزاتی است که رومی‌ها آن را کلیباناریوس می‌نامیدند، گرچه به شیوه‌ای ایرانی تجهیز شده‌اند. هنرمند این نگاره ارتفاع این کلاهخود چندتکه را بیش از اندازه بلند ترسیم کرده، اما به خوبی نشان داده است که یک گریویان تیغه‌ای صورت جنگجو را می‌پوشاند. بخش بالایی سینه و از کمر تا زانوهای وی با زره پوشانده شده است و تقریباً مسلم است که زره زانوپوش بلندی دارد. اما این جنگجو پیرامون سینهٔ خود زرهی کوچک‌تر دارد. خط‌های بی‌شمار در طول اسلحه‌ها و پاهای این جنگجو مشکلی ایجاد می‌کند. آن‌ها ممکن است نشان‌دهندهٔ لباس‌های گشاد سوارکاران ایرانی، یا شاید زرهی تیغه‌ای برای اعضا باشند، چنان‌که در هنر فرارودانی چند سده بعد هم دیده می‌شود. اما شواهد اندکی وجود دارد مبنی بر این‌که چنین جنگ‌افزار دفاعی چندلایه‌ای واقعاً تا بالای آرنج‌ها امتداد می‌یافته است. نیزهٔ بلند این جنگجو آشکارا دیده می‌شود و پشت کمر وی می‌توان دستهٔ شمشیر یا خنجر را دید. برگستوانی با پولک‌های بزرگ اسب را محافظت می‌کند و به نظر می‌رسد که حیوان دهانه‌های قادر فلزی ویژهٔ ایرانی پیرامون بینی خود دارد (تالار هنر دانشگاه ییل، نیوهاون، آمریکا). (ب) دیوارنگاره‌ای که کمانداری سوار و ظاهراً بدون زره را نشان می‌دهد. این سربازان عمده نیروهای دورهٔ اشکانی و آغاز دورهٔ ساسانی را تشکیل می‌دادند. این انگارهٔ کمتر شناخته شده روی دیواری اندودشده را شاید یکی از سربازان ساسانی کشیده باشد که در سال ۲۵۲ میلادی دورا اوروپوس را از رومیان گرفتند (تالار هنر موزهٔ ییل، نیوهاون، آمریکا). (پ) دیوارنگاره‌ای از «خانه‌نوشته‌های رومی» که باز هم کماندار بدون زرهی را نشان می‌دهد که کلاهی بسیار بلند یا شاید تاجی بر سر دارد و انبوه موهای وی در دو سوی سر او توده شده است. به نظر می‌رسد که اسب نمودزین بسیار بزرگی دارد چنان‌که دیگر دلیلی نداشته که روی کفل حیوان زرهی بگذارند (تالار هنر موزهٔ ییل، نیوهاون، آمریکا).

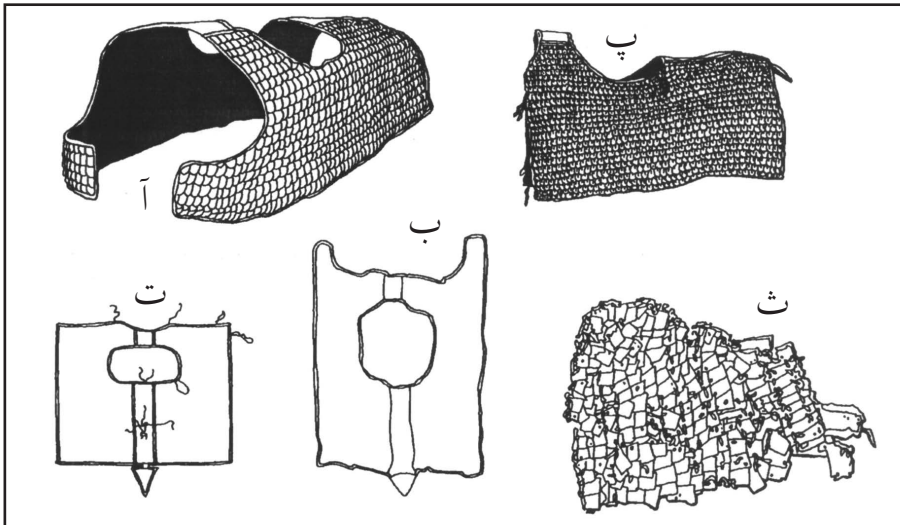
ساسانی را به مأموریت‌های کم‌اهمیت‌تری در شاهنشاهی می‌فرستادند و وفاداری آن‌ها را می‌سنجیدند، و سازمان امنیتی حکومت در این نواحی عملکرد آن‌ها را ثبت می‌کرد. ساسانیان می‌توانستند چند سپاه را راهی میدان نبرد کنند، که هر یک راهی متفاوت را در پیش گیرند و در نواحی بسیار دور از هم نبرد کنند. ساسانیان در واپسین نبرد خود با بیزانسی‌ها حتی کوشیدند در مدیترانه ناوگانی فراهم سازند و گرچه توفیق چشمگیری نداشتند، با وجود این در سال ۶۲۵ م جزیرهٔ رودس<sup>۱</sup> را تصرف کردند. در آن زمان گاه

۱. واقع در دریای اژه. — م.



تصویر ۹: سوار برگزیده ساسانی

(۱) سنگ‌نگاره‌ای از هرمز دوم و پرچمدار وی، در حالی که شاه یک شورشی را سرنگون می‌کند، پایان سده چهارم میلادی. پرچمدار در سمت چپ درفشی T شکل را حمل می‌کند که سه نوار و دو منگوله بزرگ از آن آویخته‌اند. این بهترین نمونه باقیمانده از درفش‌های شاهی ساسانیان است. خود پرچمدار نیمتنه کوتاهی را روی زرهی پولکدار یا به احتمال بیشتر تیغه‌ای پوشیده است. نکته قابل توجه این که آستین‌های بلند وی با همان خطوط موازی نشان داده شده‌اند که در دیوارنگاره کلیپاناریوس در دورا اوروپوس هم وجود دارد. همچنین گریوپانی تیغه‌ای یا پولکدار از زیر کلاهخود وی آویخته است که احتمالاً کلاهی بافته هم روی آن قرار دارد. ترکش این مرد حاوی پیکان‌هایی است که نوک آن‌ها رو به بالاست و با نوارهای سستی از زیر پهلوی راست وی آویخته است. شاهنشاه هرمز دوم، در مرکز این تصویر، نیز به همین ترتیب مجهز شده، گرچه بسیار باشکوه‌تر است. او نیزه ستبر خود را با هر دو دست به کار می‌برد، گردن وی برهنه است و تاجی پرکار بر سر و نیمتنه‌ای به تن دارد که از زیر سینه وی تا روی زرهی کوتاه باز است. این نیمتنه را منگوله‌های بزرگی در قسمت شانه‌ها تزئین کرده‌اند، که خود نشان دیگری از شاهنشاهی است. اسب هرمز زیر آویزها و منگوله‌های خود برگستان نسبتاً کوتاهی دارد که شاید آستری نمدی یا کزاکندی همانند نمونه‌های سده‌های هفتم و هشتم میلادی داشته باشد. شناخت سوارکار دیگر ناممکن است، اما آشکار است که رومی نیست. او همان تجهیزات همیشگی ایرانیان را دارد و شاید یکی از شورشیان باشد (نقش رستم، ایران). (ب) سنگ‌نگاره دشمنی که نیزه هرمز دوم وی را سرنگون می‌سازد، آغاز سده چهارم میلادی. گاه این فرد را یک رومی شکست‌خورده پنداشته‌اند، و آشکارا از جنبه‌های گوناگون با دو سوار دیگر تفاوت دارد. کلاهخود وی یک چهاربان (زره چهره) یا نقاب دارد، گرچه برای تأیید این امر به بررسی دقیق‌تر این سنگ‌نگاره نیاز است. چهاربان‌های انسان‌نما را سواران متأخر رومی هم به کار می‌بردند، اما این تصویر همچنین ممکن است نشان‌دهنده جنگجوی دیگری از مرزهای باختری شاهنشاهی مانند ارمنستان یا گرجستان باشد (نقش رستم، ایران). (پ) بازآفرینی یکی از سواران سنگین‌اسلحه بر اساس سنگ‌نگاره‌های نقش رستم، که ممکن است ساسانی یا از اقوام تابع نواحی باختری شاهنشاهی باشد.



تصویر ۱۰: برگستوان. جالب‌ترین یافته‌های نظامی در دورا اوروپوس دو برگستوان نسبتاً کامل است. این یکی از برگستوان‌های ابتدایی است که به صورتی یک‌تکه از همه بدن اسب، بجز سر و گردن، محافظت می‌کرد. گردن را نیز مسلماً گریوایی جداگانه محافظت می‌کرد، که شاید یکی از آن‌ها هم در ویرانه‌های دورا اوروپوس یافت شده باشد.

(آ، ب) برگستوان پولکدار از دورا اوروپوس، احتمالاً پارتی و از سده سوم میلادی. هر دو برگستوان دورا اوروپوس از پولک‌های فلزی نصب‌شده روی پوششی کتانی درست شده‌اند. هر دوی آن‌ها سوراخ‌های ساده‌ای برای زین، و بخش‌های پارچه‌ای بدون پولکی در پیش و پس زین و در طول ستون فقرات، و آویزه‌های فلزی سه‌گوشی برای محافظت از رستگاه دم اسب دارند. تنها تفاوت مهم این است که پولک‌های فلزی برگستوان شامل دو زبانه امتدادیافته است که گرد سینه اسب می‌پیچند. دوال‌هایی که این برگستوان را روی بدن اسب ثابت می‌کرد از قرار معلوم از میان رفته است (موزه سلاح هیگینز، ووستر، آمریکا). (پ، ت) پولک برنزی برگستوان از دورا اوروپوس، احتمالاً پارتی و از سده سوم میلادی. در دومین برگستوان دورا اوروپوس پولک‌ها تقریباً ۳/۵ در ۲/۵ سانتیمترند و به یکدیگر، و نیز به پارچه کتانی وصل شده‌اند. بیشتر بندهایی که این برگستوان را به سینه اسب می‌بست، و نیز بیشتر بندهای اطراف سوراخ زین و روی بخش‌های بدون پولک پشت زین باقی مانده است. شاید برخی از این‌ها برگستوان را به خود زین می‌بسته‌اند، اما مابقی آن‌ها بی‌گمان برای حمل تجهیزات کمان بوده است. این حقیقت که قسمت بلند پشت بدن اسب محافظت نشده، نشان از این دارد که تهدید اصلی از جانب تیرهای کمان بوده است، و نه ضربه شمشیر یا دیگر جنگ‌افزارها. اما خود اسب هم احتمالاً در این قسمت‌های بدن خود نوعی زره بافتنی داشته است، چنان‌که در مورد سنگ‌نگاره سوارکار طاق‌بستان هم دیده می‌شود (موزه ملی، دمشق، سوریه). (ث) احتمالاً گردن‌پوش برگستوان، از جنس چرم سخت از دورا اوروپوس، احتمالاً پارتی و از سده سوم میلادی. بازشناسی دقیق این صفحه زرهی سه‌گوش و تیغه‌ای چرمی موضوع جدل‌برانگیزی است. با این حال، به احتمال بسیار، این قطعه نیمی از گردن‌پوشی برای محافظت از گردن اسب بوده است. چرم تیغه‌ای سخت، برخلاف بسیاری از نمونه‌های یافت‌شده در آسیای میانه، لاکدار نیست، اما به نظر می‌رسد که رنگ‌آمیزی شده بوده یا لکه‌های قرمزی داشته است. اندازه بیشتر تیغه‌ها ۷ در ۴/۵ سانتیمتر است، گرچه ردیفی از تیغه‌های بزرگ‌تر واقع در انتهای آن تقریباً ۹ در ۷ سانتیمترند. بالای این صفحه و دو سوی آن، چنان‌که در این تصویر نیز نشان داده شده است، نواری پهن از جنس چرم نرم‌تر است که لبه‌ای را درست می‌کند. با این حال، معلوم نیست که واقعاً در این قسمت چه چیزی بوده است (تالار هنر موزه بیل، نیوهاون، آمریکا).